

## ناطق نوری و تغییر قانون اساسی

علی افشاری

۲۷ / بهمن / ۱۳۹۵

+++++



علی اکبر ناطق نوری

علی اکبر ناطق نوری در مصاحبه مفصلی که با سایت شفقتا داشته است، صحبت از ضرورت تغییر قانون اساسی به میان آورده است. البته این روحانی ۷۲ ساله از بیان مفاد تغییرات مد نظرش خودداری کرده و موضوع را به زمان مناسب احاله داده است. اما اهمیت این موضع گیری ناطق نوری در آنجا است که صحبت از تغییر قانون اساسی از منظر نگاه انتقادی به وضع موجود خط قرمز نظام محسوب می شود. اصلاح طلبها تا کنون همواره بر حفظ و التزام به قانون اساسی موجود تاکید کرده اند. سید محمد خاتمی چه در دوران ریاست جمهوری و چه بعد از آن طرح تغییر قانون اساسی را متضمن خیانت به کشور به حساب آورده است. حتی میر حسین موسوی و مهدی کروبی نیز بر اجرای بی‌تناز قانون اساسی تاکید داشته و در راهبرد سیاسی مد نظر آنان فرض می شود که ظرفیت‌های مغفول و اصول معطل مانده و یا نقض شده قانون اساسی مستقر می تواند پاسخگوی مطالبات مردم و نیازهای کشور باشد.

اماناطق نوری بر نکته درستی دست گذاشته است. ژرف کاوی و موشکافی عمیق لایه‌ها و ابعاد مختلف مشکلات ایران، تغییر قانون اساسی در راستای حذف ساخت مطلقه قدرت و گذار به دموکراسی و تقویت جامعه مدنی را ابایسته می سازد. البته تغییر قانون اساسی حلال همه مشکلات نیست، اما آغاز فرایند بهبود مستمر و پایدار، شکوفا شدن همه پتانسیل‌های جامعه، هم افزایی آنها در مسیر توسعه پایدار و انسجام ملی در مسیر درست خود از متحول شدن قانون اساسی و عبور از نسخه کنونی می گذرد. همچنین باید توجه داشت که بهترین قانون اساسی مکتوب تضمینی برای موفقیت ندارد مگر اینکه ساز و کار کارآمد و موثری برای بازدارندگی و اصلاح تخلف از قانون اساسی نیز تدوین گشته و ابزار حفظ و اعمال قانون اساسی شود.

تغییر قانون اساسی بر خلاف حساسیت‌های موجود تابو نیست. قانون اساسی یک بار در اواخر دوران حیات آیت الله خمینی مورد بازنگری قرار گرفته و در ابتدای رهبری خامنه‌ای بخشی از مفاد آن تغییر کرد. البته این تغییرات بیشتر

شکلی بودند در مسیر افزایش غلظت اقتدار گرایی و بسط قدرت قانونی و حقوقی ولی فقیه ریل گذاری شدند. اینک بعد از گذشت ۲۷ سال طبیعی است نیاز به بازنگری در قانون اساسی و تدوین متمم بوجود آید.

البته مشکل قانون اساسی موجود جنبه‌های محتوایی و به عبارت دقیق‌تر نهادهای پایه‌ای قدرت و نهاد ولایت فقیه به مثابه کانون اصلی آن است و ترمیم و بهیبه سازی شکلی چندان دردی را دوا نمی‌کند.

با توجه به سابقه ناطق نوری و مواضع وی می‌توان انتظار داشت که تغییر قانون اساسی مد نظر او جنبه شکلی داشته و حاوی نظر مساعدی نسبت به دگرگونی بنیادی قانون اساسی کنونی نباشد.

اما تجزیه تحلیل محتوایی مواضع ناطق نوری آشکار می‌سازد که او در حوزه‌های سیاست داخلی و فرهنگی تفاوت‌های قابل اعتنایی با هویت گذشته خود پیدا کرده است. وی کماکان به گفتمان کلان انقلاب اسلامی و حکومت دینی فقاقت محور معتقد است اما پراگماتیسم، مصلحت‌اندیشی و اهمیت حفظ مقبولیت مردمی باعث شده تاحل بن بست کنونی را نیازمند بازنگری در قانون اساسی و تقویت بخش‌های مردمی آن بشمار آورده و در فکر ساز و کاری باشد تا جمهوریت به شکل کامل مقهور نهاد ولایت فقیه نگردد. می‌توان حدس زد که نگرش‌هایی در خصوص خارج کردن ولایت فقیه از شکل حکومت فردی و یا مضبوط کردن آن در چارچوب اختیارات رهبری در قانون اساسی و خارج شدن مجلس خبرگان از کارکرد تشریفاتی در اذهان برخی از کارگزاران قدیمی نظام و معترض به وضع موجود شکل گرفته است.

این ذهنیت‌ها ظرفیتی برای حل و فصل کامل مشکل سند بالادستی حقوقی و ساختار کلان قانونی در کشور ندارد، اما در تقویت ایده ضرورت تغییر قانون اساسی در مسیر گذار به دموکراسی کارکرد موثری دارند.

ناطق نوری با جدایی از مواضع تند گذشته سعی کرده است چهره‌ای میانه رو و حد وسط از خود در عرصه عمومی به نمایش گذارد که خواهان اجماع و توافق همه جناح‌های داخل حکومت بر سر پذیرش قواعد بازی و کنار گذاشتن رویکرد حذفی و انحصار طلبانه است. ناطق نوری آشکارا ناخرسندی خود از وضعیت کنونی کشور را اعلام کرده است. او در همین مصاحبه نیز با ذکر سخنانی مثبت از مهندس بازرگان و آیت الله منتظری چهره‌ای تازه از خود به نمایش می‌گذارد که تا حدی بیانگر نگاهی انتقادی به عملکرد گذشته نظام است اما در عین حال به دنبال نفی آن نیز نیست.

وی رویکرد رفورمیستی دارد اما از چارچوب‌های متعارف سیاست ورزی در جناح‌های نظام فراطر رفته است. اصول‌گرایان و حتی بخش سنتی آن‌پذیرای مواضع جدید ناطق نوری نیست. حتی با سیاست عقب‌گردی که اصلاح‌طلبان دوم‌خردادی با سیاست "آشتی با رهبری" در پیش گرفته‌اند، اکنون انتقادات رئیس‌بازرسی دفتر رهبری زاویه بیشتری با بخش مسلط قدرت پیدا کرده است.

ناطق نوری در مواضع سالیان گذشته خود با اشاره به تثبیت دموکراسی در دنیای امروز خواهان بازنگری در قانون اساسی شده و از برخوردهای حذفی، حضور نیروهای تند رو در حکومت ابراز نارضایتی کرده و چاره کار را در میدان دادن به نیروهای معتدل معرفی کرده است. او بارها از نبود نظام حزبی در کشور انتقاد کرده و معتقد است هیچکدام از جناح‌های اصلاح طلب و اصول‌گرا ساختار حزبی ندارند و بیشتر کلوب‌هایی برای کسب قدرت سیاسی هستند. این نظرات در تعارض با عملکرد و تصمیمات رهبری در دهه اخیر بوده و از اینرو ناطق نوری آماج حملات اصول‌گرایان تندرو و نیروهای موسوم به ولایت‌مدار قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد عدم سپردن ریاست موقت مجمع تشخیص مصلحت نظام تا پایان دوره از سوی خامنه‌ای به ناطق نوری هزینه دیگری است که رئیس‌مجالس چهارم و پنجم مجلس برای نظرات انتقادی‌اش پرداخته است.

البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که ناطق نوری به مانند اغلب چهره‌های اصلاح طلب در سیاست‌های منطقه‌ای و تا حدودی جهانی نظر مشابه اصول‌گرایان و رهبری دارد. همچنین نظرات انتقادی وی در برابر نهاد ولایت فقیه و اصول‌گرایان تند رو برجستگی دارد و با موازین دموکراسی به صورت جامع و کل‌نگرانه تطبیق نمی‌کند. در اصل اعتدال ناطق نوری در محدوده نظام سیاسی به شکل نسبی موضوعیت دارد و چه بسا اعتدال در بین افراطی‌ها است. اما همین مقدار تفاوت در شرایط خاصی می‌تواند به شکل‌گیری تحولات در پراتیک سیاست متلاطم ایران کمک کند.

در واقع هشیاری نیروهای دمکراسی خواه در استفاده از شکاف‌های موجود و تشویق جریان‌های میانه در کنار حفظ توازن بین نگاه راهبردی و موقعیت‌های تاکتیکی و مدیریت متن جریان تحول خواهی خارج از گرایش‌های معطوف به ساختار قدرت کنونی می‌تواند ریسک‌ها در مسیر گذار به دمکراسی را کاهش داده و در برابر بازسازی ساخت قدرت غیر مردم سالار بازدارندگی ایجاد کند.

جایگاه ناطق نوری به عنوان صدای معترض در درون کارگزاران نظام و ظرفیتی برای تجدید نظر خواهی در دوره بعد از هاشمی رفسنجانی تقویت شده است. اعلام برنامه وی برای تغییر قانون اساسی می‌تواند این جایگاه را ارتقا بخشد و ظرفیتی برای هموار سازی مسیر گذار مسالمت آمیز به دمکراسی خلق کند.

-----  
نظرات طرح شده در این یادداشت الزاماً بازتاب دیدگاه رادیو فردا نیست.\*

+++++

برچیده تبرستان از رادیو فردا 27-11-1395 / 15-2-2017

<http://www.radiofarda.com/a/o2-nateq-ali-afashari/28311852.html>